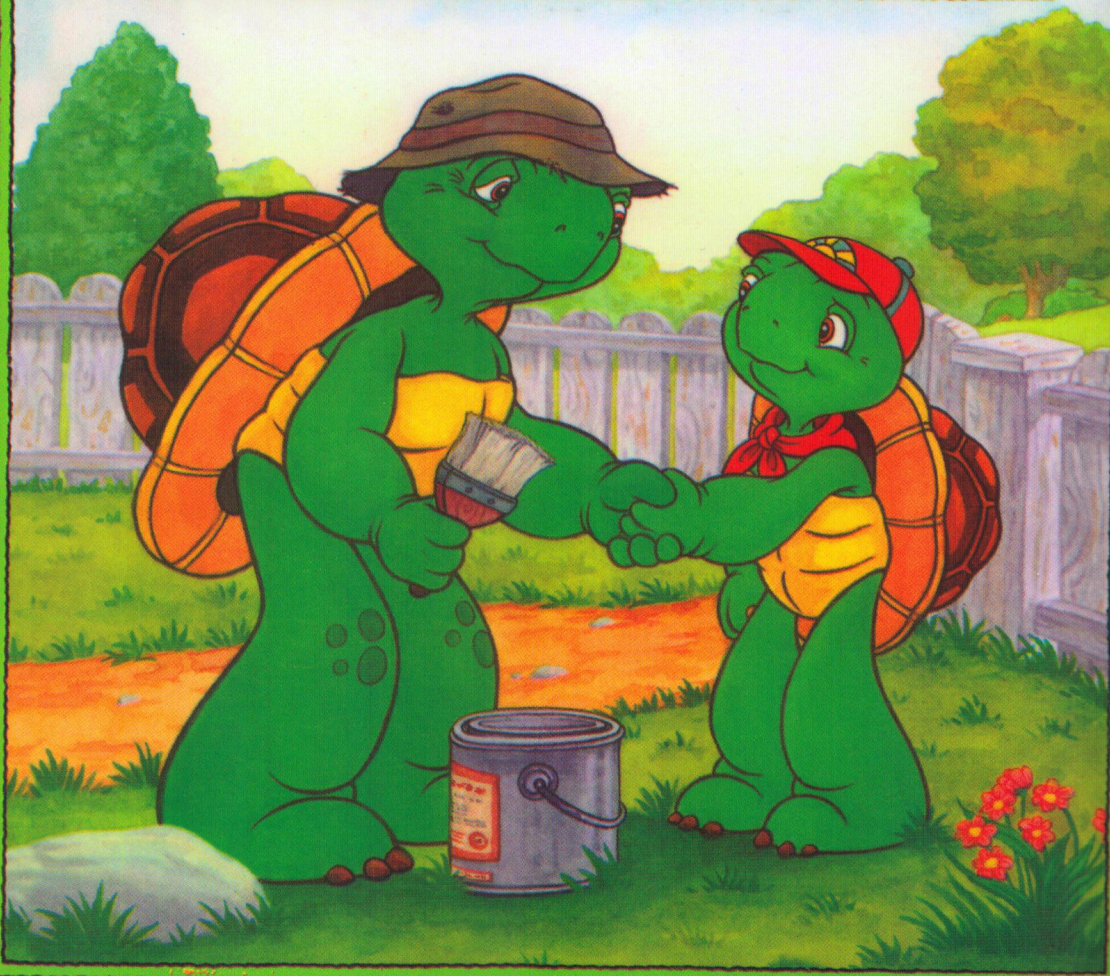


# فرانکلین معامله می کند



نویسنده: شارون جینگز تصویرگر: سین جفری - آلیس سینکنر

مترجم: شهره هاشمی





اواسط بعدازظهر فرانکلین دیگر آن قدر مطمئن نبود که کار رنگ کردن نرده‌ها همان روز تمام شود. او تا حالا توانسته بود فقط نیمی از نرده‌ها را رنگ کند. احساس او وقتی بدتر شد که سگ آبی و روباه آمدند تا او را ببینند. هر دوی آن‌ها بسته‌ی کامل لوازم مأمور مخفی را از قبل داشتند. روباه پرسید: «فرانکلین چه وقت تو هم یکی از این اسباب بازی‌ها را می‌خری؟» فرانکلین جواب داد: «همین که رنگ کردن نرده‌ها تمام شود.» روباه گفت: «ولی این که تا ابد طول می‌کشد!» فرانکلین فوری یک راه حل به فکرش رسید. او گفت: «اگر شما دو نفر به من کمک کنید، من این کار را در همین امروز تمام خواهم کرد.»

